

« ما اغنی عنه ماله و ما کسب »

عنوان بحث: یک قانون : تمکن دنیوی موجب بی نیازی و ایمنی نیست

دانستیم آیه ی «تبت یدا ابی لهب و تب» به این قانون حتمی و مقتدرانه ی الهی اشاره دارد که اگر کسی از قدرت و امکانات موقت دنیوی خود بطور صحیح استفاده نکند با تباهی امکانات و نعمات و بهره مندیها مواجه خواهد شد.

آیه ی دوم « ما اغنی عنه ماله و ما کسب» در ادامه ، به تکمیل قانون فوق پرداخته است مبنی بر اینکه دارائی ها و دستاوردهای مادی موجب بی نیازی انسان نمی شود. چنانکه دارائی ها و موقعیت اجتماعی ابولهب، او را از تباهی و عذاب الهی ایمن نکرد .

پرسش : آیا چیزی هست که بتواند مانع تباهی و عذاب الهی شود ؟

پاسخ: الف

برای رسیدن به پاسخ باید رابطه ی بین ماهیت امور مادی و ابعاد معنوی وجود انسان و تأثیرات آن بر یکدیگر بررسی و تبیین شود :

با توجه به اینکه تفاوت میان دنیا و آخرت مثل تفاوت میان لفظ و معنا است . عدم تجانس و تفاوتی که میان امور معنوی و مادی هست مانع جایگزینی یکی به جای دیگری می شود و اشیاء مادی بر مسائل معنوی مؤثر نیست.

نسبت عذابهای الهی که به شخصیت و روح ابولهب می رسد به آن چه که از دنیا کسب کرده مثل نسبت جان و روح انسان به اعضاء و جوارحش است، چنانکه اگر روح صدمه ببیند ، اعضاء و جوارح کاری از دستشان بر نمی آید.

شرایط زندگی هر کسی در عالم آخرت بر اساس جوهر وجودی خودش تعیین می شود. و اموال و امکانات مادی قابل انتقال به آن عالم نیستند و نیز قابلیت

پاسخگویی به نیازهای حیات اخروی را ندارند . "یوم لاینفع مال و لابنون * إلا من أتى الله بقلب سليم" ^۱

مردم جاهلی قبل از اسلام در کنار اموات ، زیورآلات ، توشه غذا ، شمشیر و... می گذاشتند تا در عالم پس از مرگ مورد استفاده قرار گیرد.

این تصور جاهلانه هنوز هم وجود دارد. امروزه نیز انسانها حقیقتاً سنخ وجودی روح انسان ، نیازمندیها و عالمی که در آن زندگی می کند را با آنچه مربوط به دنیای جسم و نیازمندیهای آن را تأمین می کند اشتباه گرفته اند.

نیاز روح و روان انسان، آرامشی است که در گرو داشتن تکیه گاهی محکم است تکیه گاهی که در هر کمالی سرآمد و مطلق باشد (خدایتعالی) . و برخورداری از چنین تکیه گاهی جز با روحی مصفا و پاک و طهارت باطن حاصل نمی شود. و برخورداری از تمتعات دنیوی بدون پشتوانه ی معنویات و فضائل انسانی نمی تواند این آرامش روحی را تأمین نماید.

بنابر این راه واقعی نجات از تباهی، آن است که در عالم دنیا به اصلاح و تطهیر نفس و روح از هر آنچه که ناصواب است و در عالم آخرت به صورت آتش درمی آید ، بپردازیم و در پی کسب فضائل انسانی باشیم.

پاسخ: ب

آنچه که انسان در دار دنیا از نعمات دنیوی تغذیه و کسب می کند در وجودش به فکر و اندیشه و قوّت قوای باطنی تبدیل می شود و در واقع جزئی از نهاد و شخصیت او می شود.

غذاها و اکتسابات پاک و طاهر به افکار خوب و چنانچه ناپاک باشد به افکار و اندیشه های پلید تبدیل می شود^۲ که در نظامات پاک عوالم بعد از دنیا با آنها متناسب با ماهیتشان برخورد می شود .

اگر از امکانات و نعمتهای دنیوی در طریق صحیح و در مسیر رشد انسانیت استفاده شود، ظهور و بروز آن در آخرت هم می تواند برای انسان از دو جنبه مفید واقع شود.

جنبه اول اینکه چون انسان از امکانات و نیروهایش در راه حق استفاده کرده استحقاق و شایستگی این را دارد که به او قدرت برخورداری از امکانات عالی تر اخروی داده شود

جنبه دیگر اینکه گفتیم نعمت وقتی مورد استفاده ی صحیح قرار بگیرد ماهیت انسان را به گونه ای می سازد که ظهور اخروی آن آرامش و نجات از آتش و تباهی است.

بنابراین اکتسابات دنیوی انسان فقط زمانی برای حیات اخروی اش مفید است که در مسیر رشد انسانیت بوده باشد. وگرنه مشمول قانون « ما اغنی عنه ماله و ماکسب » می شود.^۳

با وقوع مرگ، انسان از دنیا منقطع می شود و دیگر نمی تواند از تمتعات دنیوی و آثار آن در تغییر شرایط روحی و شخصیتی بهره مند شود بنابراین امکان تغییر و تبدل تا زمانی که انسان در دنیا هست برای او وجود دارد .

« آگاه باشید هم اکنون در روزگار آرزوهایید، که مرگ را در پی دارد، پس هر کس در ایام آرزوها، پیش از فرا رسیدن مرگ، عمل نیکو انجام دهد، بهرمنند خواهد شد، و مرگ او را زیانی نمی رساند، و آن کس که در روزهای آرزوها، پیش از فرارسیدن مرگ کوتاهی کند، زیانکار و مرگ او زیانبار است»^۴

قاعده ی عمومی نظام خلقت این است که انسان پس از مرگ ، قدرت و اختیاری را برای تصرف در دنیا داشته از دست می دهد.

توجه : قاعده کلیت ندارد زیرا حضرات معصومین علیهم السلام و اولیای الهی با این که از دنیا رفته اند و در عالم دیگرند ولی در دنیا تصرف می کنند و حوائج مردم را برآورده می کنند.

سلطنت مؤمنین و حیطة اختیاراتشان در عالم آخرت با عالم دنیا قابل مقایسه نیست ، زیرا محدودیتهای بدن و نواقص آن در عالم دنیا موجب محدودیت حیطة ی اختیارات می شود.

و اما در مورد اهل آتش ، که موضوع بحث آیه ی شریفه ی «ما اغنی عنه ماله و ما کسب» است باید گفت: قدرت تصرف از این ها گرفته می شود و اگر تصرفی هم داشته باشند ظهور باطن همان تصرفاتی است که در دنیا داشته اند که ثمره ی عذاب آوری برایشان دارد چنانکه اگر اراده ی خوردن و آشامیدن داشته باشند نصیبی جز «ضریع»^ه و «زقوم»^و و «حمیم»^ی و... نخواهند داشت.

عنوان بحث: « آثار و ثمرات تربیتی»

دانستیم که موضوع آیات شریفه ی «تبت یدا ابی لهب - ما اغنی عنه ماله و ما کسب» بیان این قانون الهی در نظام هستی است که اگر قوا و امکانات در راه فساد بکار برده شود نابود و تباه می شود و اموال و امکانات دنیوی که انسان از سر غفلت به آن تکیه می کند ، قادر نیست مانع این نابودی و تباهی شود. و این قانون همگانی است و ابولهب البته مصداق بارز کسی است که این قانون درموردش اجرا شده است .

بنابراین همه ی انسانها مخاطب این سوره هستند.

در واقع این آیات آمده است تا ما را متوجه خودمان کند که دریابیم چه میزان از امکاناتی که در اختیار ما بوده است نابوده شده و در آخرت چقدر می توانیم از قوائی که در دنیا در اختیار داریم ، بهره مند باشیم ؟ آیا چشم و گوش و زبانی برای ما باقی می ماند؟ آیا دست و پایی خواهیم داشت؟

باید ببینیم از حیات انسانی چقدر بهره بردیم که اگر از امکانات و قدرتی که در دنیا بصورت موقت به ما داده شده در مسیر رشد حقیقت انسانیت بهره برده باشیم ، قطعا در عوالم عالی وجود از حقیقت عالیت آن امکانات بهره مند خواهیم بود

والا اگر بجای انسانیت ، حیوانیت و صعوبت و انانیت و شیطننت تحصیل کرده باشیم امکانات گرفته می شود.

خداوند امکاناتی چون لطافت روح و قدرت دریافت معنویات و درک ملکوت به ما داده است که با سیئات و گناهان ما تباه می شود . و ما از این حقیقت غافلیم که مشمول قانون «تبت » و «ما اغنی » هستیم .

خود نمایی دنیا چنان شدید است که مردم در پی آن روانند و از تحصیل کمالات حقیقی که همان درک حقایق زندگی انسانی و بهره مندی از آن است غافلند.

حقیقت این است که ما تکیه مان بر آنچه در زندگی دنیا از تمتعات آن فراهم می کنیم (مال، سلامتی ، موقعیت های اجتماعی و...) نسبت به آن مقدار تکیه و اعتمادی که در زندگیمان برتحصیل کمالات و فضائل و حیات انسانی داریم بیشتر است . و اگر تکیه ما به عالم دنیا به این اندازه برای سعادت ما خطر ناک نبود این آیات بر ما خوانده نمیشد.

شاهد این ادعا :

اولاً : دلخوشی ها و آرزوها و دغدغه های ماست که نسبت به برخورداری از امور دنیوی شدیدتر است تا به امور معنوی و کسب معارف الهی و فضائل انسانی.

ثانیاً: سرمایه عمر ما آنقدر که در راه تحصیل امورمادی صرف میشود، در راه کسب کمالات حقیقی نمی شود.

در بررسی احوالات خود و تطبیق آن با این آیات الهی باید توجه کنیم که :

حقیقتاً تا چه اندازه به امکانات دنیوی دلگرم هستیم و تا چه اندازه نسبت به شرایط زندگی جاودانه ی خود دغدغه داریم و احساس خطر می کنیم ؟

آیا مرگ را در نظر داریم که با هر نفسی به آن نزدیکتر می شویم ؟

اگر میزان سنجش عیار اعمال ما مولا علی علیه السلام است آیا کمترین نشانی از احوالات او در خوف و خشیت از قیامت و محرومیت‌های آن، در نهاد ما هست؟
آیا ما حق را می‌شناسیم و نسبت به حقوق اعضا و جوارح و همه ی نعماتی که در اختیار داریم آگاه هستیم؟

پی نوشت:

- ۱) سوره ی شعراء، آیه ی ۸۸ - ۸۹؛
- ۲) امام حسین (ع) شکم‌هایتان از حرام پر شده و بر قلب‌هایتان مهر خورده است. «بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۸
- امام باقر (ع) منظور از «طعام» در بیان در آیه شریفه فلینظر الانسان إلى طعامه می فرماید: «عِلْمُهُ الَّذِي يَأْخُذُهُ عَمَّنْ يَأْخُذُهُ - علمی که از کسی فرا می گیرد» الکافی، دارالتعارف، ج ۱، ص ۱۰۳
- ۳) سوره ی لیل آیات ۵-۱۱
- ۴) امام علی (ع)، نهج البلاغه، ترجمه دشتی ، خطبه ۲۸
- ۵) سوره غاشیه، آیه ۶
- ۶) سوره واقعه، آیه ۵۲
- ۷) سوره انعام، آیه ۷۰